

به نام او که هستی از اوست

برگ های خشک

اثر: گوستاو وولفو بکر

مترجم: فاطمه شادی



سرشناسه

: بکر، گوستاوو آدولفو، ۱۸۳۶ - ۱۸۷۰ م.

Bécquer, Gustavo Adolfo

عنوان و نام پدیدآور : برگ‌های خشک/ اثر گوستاوو آدولفو بکر؛ مترجم فاطمه شمس.

مخصات نشر : اصفهان: حروفچین، ۱۳۹۵.

مشخصات فیزیکی : ۱۸ ص: ۱۱×۱۷ س.م.

شابک : ۹۷۸-۶۰۰-۷۴۱۹-۶۳-۲

وضعیت در دست : فیفا

نویسی

یادداشت : کتاب حاضر برگرفته از سایت

http://bib.cervantesvirtual.com/bib_autor/becquer/pcuartonivel.jsp?contenido=obra

موضوع : نشر اسپانیایی -- قرن ۱۹ م.

موضوع : th ۱۹ Spanish prose literature --

century

شناسه افزوده : شمس، فاطمه، ۱۳۴۶ - مترجم

رده بندی کنگره : PQ

رده بندی دیویی : ۸۶۸/۵

شماره کتابشناسی : ۴۳۳۳۹۴۸

ملی

دسترسی و محل : http://bib.cervantesvirtual.com/bib_autor/becquer/pcuartonivel.jsp?contenido=obra

الکترونیکی

obra

برگ های خشک

■ نویسنده: گوستاوو آدولفو بکر

■ ترجمه: فاطمه شمسی

■ ناشر: حرو چین ■ ویراستار: مریم امشاسپند

■ چاپ اول: ۱۳۹۵ ■ تیر: ۱۰۰ جلد ■ قطع: رقعی

■ شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۷۴۱۹-۳-۲

((حق چاپ محفوظ است))

اصفهان

تلفن: ۰۹۱۳۵۴۵۳۴۷۹ - ۰۹۱۶۲۹۱۶۱۷۹

www.horoufchin.ir

Horoufchin@yahoo.com

ادبی بسیار توانا بود. از آثار برجسته‌ی او می‌توان از قافیه‌ها،
مسانه‌ها و نامه‌ها، کلمات قصار و مجموعه‌ی اشعار نام برد. این
شاعر اسپانیایی یکی از آخرین نمایندگان رمانتیسم قرن نوزدهم
است. در آثار بکر نوعی بینش متعالی دیده می‌شود که موجب به
شهرت رسیدن آثارش، زمانی که در قید حیات نبود، گردید. وی
در دسامبر ۱۸۷۰ در مادرید چشم از جهان فرو بست.

مقدمه

برگ‌های خشک را زمانی شروع به خواندن کردم که «باغ
من»، شعر بسیار زیبای اخوان ثالث را به تازگی به اسپانیایی
برگردانده بودم. دومین ماه پاییز بود. این شعرگونه‌ی
گوستاوو آدولفو بکر چنان مرا مجذوب خود ساخت که
تصمیم گرفتم آن را به فارسی برگردانم. کاری که از پاییز ۹۱
شروع و تا تیرماه ۹۴ به درازا کشید. علت طولانی شدن

ترجمه‌ی این کار، وسواس در انتخاب کلمات بود تا ترجمه به متن اصلی نزدیک‌تر باشد. ضمن وفاداری به متن اصلی، من تمام تلاش خود را به کار برده‌ام تا خواننده از این داستان لذت ببرد.

داستان به گونه‌ای خشک درواقع داستان زندگی آدمی است و اینکه عمر چه کربانه است و چه زود می‌گذرد. اگر آن را درنیابیم و زندگی اثر نکند، به حسرت خواهد گذشت.

درکش و قوس طوفان‌های گدازان زندگی باید صبور بود و شکیبایی را پیشه‌ی خود ساخت. زمانی اجازه داد تا این تندباد، ما را به هر جا که می‌خواهد ببرد. اما این داشت آنجا که ما را رها می‌کند، ایستگاهی است برای گذر از یک مرحله به مرحله‌ای دیگر.

در اینجا لازم میدانم از آقای آرشیکت، مارتین بریو، که مرا
سپهرانه در این امر یاری نموده‌اند، سپاسگزاری نمایم، که اگر
حضور ایشان نبود، من قادر به رسم این تابلوی زیبای ادبی
نبودم و همچنین از آقایان مجید قنبری نسب و مرتضی
طبیعی (درس زبان اسپانیایی) که در این چند سال اخیر،
چون برادرانی دلسوز، کارهایم را مطالعه و مرا مورد حمایت و
تشویق قرار داده‌اند، خالصانه تشکر می‌کنم.

امیدوارم شما خواننده عزیز هم از خردن این داستان کوتاه،
اما پرمحتوا و زیبا، نهایت لذت را ببرید.

فاطمه شمس

مهرماه ۱۳۹۴